این نکته از سر قضا و قدر است و هم در واقعه چو و عقل از این قضیه بیخبر است بیت اگر از هر سنگ و هر کیمیه رو نمود ز دین از نمود
سوی ارمغان کشید ٭ اجمع بما حکم لقضا و قدر بیست ٭ آنجا بپای دهم و عذر کی توان رسید ٭ آمدیم بر سر کلمات بیحکم آن آیات
عیسی بود ذال گرانکل سورت مرغ بساخت و زند کرد و از هر بحر حل کرد و گفتند اگر راست میگوئید ما را خبر دهید بدو از آنچه
شام خورده اید و آنچه برای خانه شما میسی ام و نمود وَاَنَبِّئُكُمْ و خبر میدهم شما را بِمَا تَاْكُلُوْنَ بآنچه شما میخورید وَمَا
تَدَّخِرُوْنَ فِيْ بُيُوْتِكُمْ و آنچه ذخیره می نمائید و رخانهای خویش پس هر یک از شما زاهد را که شب چه خورده باید و برای روز فردا ذخیره کرده باید
و گویند اخبار از ذخایر بعد از نزول مائده بود و چه حکم خدای بیچون صد و بیست کس از آن خوان خوردند و ذخیره نکردند و عیسی خلاف آن
باد فاسیل شود و عیسی بشاز از آن آگاهی او شهر آنست که وی در کتب با کودکان کلمتی گرایاد و نعمات شما طفلان ذخیره
ایشان با خانه آمدندی و کیفیت ماکولات و مذخرات باز گفتندی و گاه بودی که کرسیت آغاز نماندی که شما طفلان ذخیره
بخشیع این نماز باید بدو ماند و حیران باشد که ایشان این راز کجا دانسته اند و هر نسخه آنصورت خبر بوحی شواند بود اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ
بدرستی که در این هیچ مخبر لَاٰيَةً لَّكُمْ هر آینه علامتیست مر شما را دلالت کنند و بر صدق نبی و عیسی حق تو حیات بیحد و ذال
علیست یعنی بنوت عیسی اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ اگر چه شما باور دارندگان و ایمان آورندگان در تصدیق پیغمبر
پیشانفه است از قول خدای خطاب با یهود است که در عصر حضرت پیغمبر ص بودند ایشان میگویند در آنچه ذکر کردم از قصه عیسی
و دلالت رسالت مر شما را اگر رسید باور دارندگان باشید و محمد رسول است عیسی بنده و کلمه و اهل اشارت برانند که حضرت
احدیه عیسی را کتاب علوم لدنیه و حکم شرایع و معارف بهیه در آموخت و در این علامات که عیسی قلب راست عبری لیکن دقت
و خشیت مر طالبان حقایق را بر کمال نظر بر لوایح الهام ربانی مطرح لوامع مهام سبحانیست بیت فخر اسرار الهی
شمع سر اراده شاهی دلست ٭ ساحت دل عرصه بی نهایت ٭ جلد گر گوید کبریاست ٭ گر تو زاعجاز دل آگاه شوی ٭
کشف سخن در تو دم عیسوی ٭ پس عیسی بعد از اظهار معجزات که دلالت رسالت بود چنان میگفت که بخت و بر آن نشانه
کرمن رسول خدایم وَمُصَدِّقًا و باور دارنده لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مر آنچه را که پیش از من بود مِنَ التَّوْرٰىةِ که آن کتاب موسی
و هفتم شبهات آنم و نگاه دارنده از تحریف و تغییر وَلِاُحِلَّ لَكُمْ و دیگر برای آن آمده ام تا حلال کنم بر شما که نهی اسرائیل بود
بَعْضَ الَّذِيْ برخی از آن چیز که در شریعت موسی ع حَرُّمَ عَلَيْكُمْ حرام کرده شده است بر شما از حکم توریه چون لحوم و البان سنت
و شحوم که گوسفند و گاو و بعضی مرغان و ماهیان و قطعات شیشه و اگر گویند تحلیل بعضی از محرمات و توریت با تصدیق آن مناقض
نمی نماید جواب آنست که تصدیق عیسی مر توریه را بآن معنیست که هر چه در آن مذکور شده درست و راست بود و آنچه در آن کتاب بگفته
احکام شریعت است بعد تحلیل و حرمت مناقض تصدیق آن نباشد چنانکه بنسخ بعضی از آن مر بعضی را دلیل مناقض و تکذیب نیست وَجِئْتُكُمْ
بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ و آمدم بنشانی ناشی از پروردگار شما بمعجزات و دلالت ایرا بلفظ واحد تنبیهات بر آنکه دلالت
علم یک آیه است و چون اخراج نوع انسان از ماء الوف و متقاد ایشان بغایت دشوار است اعاده ذکر آیه و معجزات کرده و

از استماع آن متاثر گردد یا بجهت غیر متعاد بود نه بجهت قاین عادات مگر کلام موجب تقریر ممکن آنها باشد در نفوس قوت
بدارد آیتی دیگر است که مراد خدای بالهام داد تا بشما بگویم فَاتَّقُوا اللّٰهَ پس بترسید از خدای و مخالفت آن آورده وَاَطِيْعُوْنِ
و فرمان برید و قبول آن که دعوت حقست و همه رسل بران اجماع کرده اند و فارق میان صادق و دعی است پس آن بیان میکند
که اِنَّ اللّٰهَ بتحقیق خداوند که ذات او جامع جمیع صفات کمالست رَبِّيْ پروردگار من وَرَبُّكُمْ و پروردگار شما فَاعْبُدُوْهُ پس بپرستید او را
و مخالف نباشید و دعوت این سخن برابر است ایراد کلام مر بنوع که گفتی و بنا بر لفظ بنی اسرائیل خاضع است
آن خبر است که حق تعالی برای سخت رسالت من بمن عطا کرده و من بنده پرورده او هم و او پروردگار من و شما هست هٰذَا
پس بپرستید او را چه عبادت پروردگار رحمه بر همه پرورش شکران و بجهت متعلقان کلمه آن اشارت باسکان
قوت نظریست تصحیح عقاید و تمهید قواعد و پس در آن باب توحید است و فاعلیه و عبارت از آنچه کمال قوت عملی آن
طاعات باشد و محافظت او امر و نواهی و سالک طریق شرع را ضمن این دو امر باید که بر طریقیست مشهور و راه مستقیم از آنجا
گفت هٰذَا یعنی حق نواهی و سالک طریق را ضم این دو امر باید که بر میان توحید و عبادت صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ راهیست راست
رساند و بمقصود مصرح هر که برین راه رفت نزد بمقصد رسید ٭ این آیه بشارت مریم و دیباچه قصه اهل عهد و دلالت
عیسی و امت بیهود و در سوره مریم مذکور است و چون از فحوای این نزد بعضی حالات کرسیاد امر عیسی بود و معلوم شد چنان
از خواتیم کار او میگوید فَلَمَّا اَحَسَّ عِيْسٰى پس آن هنگام که دریافت بدانست عیسی احساس ادراکست یعنی حس و ادراک
دانستن است بتحقیق و در این سبب آن دانش کرد بعلمی که از حواس حاصل شد و باشد و گویند عیسی کاسه سمع شنود مِنْهُمُ الْكُفْرَ
از یهود و گفته که دلالت میکرد بر کفر ایشان و آن شاورد آنجماعت بود بر قتل عیسی و تفسیر کبیر گفته و گویند که چون عیسی متولد شد
یهود دانستند که عیسی متنبه بر توریه است و در این ایشان را هستی ساخت در میدان حال در خای و در آنش فاذ نزدت
کردند و طالب قتل او شتیال ایشان پیوستند و گفته از چون عیسی اظهار رسالت کرد و یهود به قرد و عداوتش آمد و در قتل او
را بیاورده و گاه و حیلها بر نگیختند عیسی بطریق الفرار خلاص یافت من سنن المرسلین از نشان مخفی شده و با دردی بسیار
آورده و در آن اثنا بدیهای از بدیهای عصر رسیده در خانه متهدان آن دو نزول کرد بیت تو هر شهر و هر بقعه و هر دیه که رسی
ترحم آن شهر و خوشی آن بقعه و هموار آن دیه ٭ میزبان مرد با مرفت بود فی ایشان در خانه نگاه میداشت و در هم اعانت
و لوازم ملاطفات هیچ دقیقه فرو نگذاشت هر گاه که در نزد عیسی و مریم در آمدی تازه روی و خندان بودی و یکی از ادب نیز فیا
گفت با همان بر بساط انبساط نشیند و اسن از هر خوش انفتاض در چند بیت پیش مهمان خدای از ما هیست
مجری بر نیز خدا هیست ٭ القصه روزی میزبانی بمبارکت صدر نفوذ روح آنه آمد و بجلالت عهد و بطیب منظر و مهم مریم
مریم از آن پرسید که خواهر تو چیست که از طفال پرسیدن حال و پیدا و قم غم پرسش جهیله او هم دلالت زن سبب آن